



کالوکیشن‌های زمان

کالوکیشن‌های زمان

کالوکیشن‌ها در کنار افزایش غنای اسپیکینگ و راییتینگ، کمک شایانی به کاهش تعداد و سطح اشتباهات، افزایش سطح رسمیت، ارتقا اعتماد به نفس و روانی کلام نیز می‌کنند. آشنایی صحیح، عملی و جامع با واژگان همنشین قطعه گم‌شده پازل زبان انگلیسی برای اکثریت زبان‌آموزان جامعه زبان‌آموزی فارسی است؛ با قاطعیت بالا می‌شود ادعا کرد که آنچه باعث می‌شود عده کثیری از زبان‌آموزان علی‌رغم آگاهی از طیف گسترده‌ای از واژگان، در نهایت نتوانند به ایده‌آل‌های زبانی خود نزدیک شوند یا همچون یک شخص بومی صحبت کنند، عدم برخورداری از آگاهی لازم در زمینه واژگان همنشین است. با ما همراه باشید تا در ادامه چندین واژه همنشین با موضوع زمان را فرا بگیریم.



1. Over the course of time:

در طی/گذر زمان

E.g: Everything changes over the course of time.

همه چیز در گذر زمان تغییر میکند.

2. Golden era:

دوران طلایی

E.g: The Beatles represents the golden era of British pop in the 1960s.

گروه بیتلز نمایانگر دوران طلایی پاپ بریتانیایی در دهه ۶۰ است.

3. Go down in history:

در تاریخ ثبت شدن/ماندگار شدن

E.g: The event will go down in history as the nation's worst tragedy.

این اتفاق بعنوان بدترین تراژدی ملت در تاریخ ثبت خواهد شد .

4. Brings back memories:

یادآوری خاطرات کردن

E.g: Every one of The Beatles songs brings back memories of that unforgettable time.

همه آهنگ های بیتلز خاطرات آن دوران فراموش نشدنی را یادآوری میکنند.



کالوکیشن‌های زمان در زبان انگلیسی

2

GOLDEN ERA

دوران طلایی

OVER THE COURSE OF TIME

در طی / گذر زمان

1

4

BRINGS BACK MEMORIES

یادآوری خاطرات کردن

GO DOWN IN HISTORY

در تاریخ ثبت شدن / ماندگار شدن

3

WWW.FARZADSOLEIMANI.IR

6

BYGONE ERA

دوره ای در گذشته

PRESERVED FOR POSTERITY

محفوظ شده برای آیندگان

5

8

THE FORESEEABLE FUTURE

آینده ی نزدیک و پیش بینی شده (اتفاق حتمی در آینده)

THE NOT-SO-DISTANT FUTURE

آینده ی نزدیک

7

WWW.FARZADSOLEIMANI.IR

5. Preserved for posterity:

محفوظ شده برای آیندگان

E.g: Their music is all preserved for posterity in this collection.

موسیقی آنها در این کلکسیون برای آیندگان محفوظ شده است.

6. Bygone era:

دوره ای در گذشته

E.g: She didn't want to tell about bygone days.

او نمی‌خواست راجع به دوران گذشته صحبت کند.



7. The not-so-distant future:

آینده ی نزدیک

E.g: The story is set in the not-so-distant future, when artificial intelligence has just begun to take control of our daily lives.

داستان در آینده ی نه چندان دور واقع شده است، زمانی که هوش مصنوعی کنترل زندگی روزمره ما را بدست گرفته است.

8. The foreseeable future:

آینده ی نزدیک و پیش بینی شده (اتفاق حتمی در آینده)

E.g: So, might they finally have free elections in the foreseeable future?

آیا امکان دارد که آنها بالاخره در آینده نزدیک (پیش بینی شده) انتخابات آزادی داشته باشند؟



دوره جامع زبان عمومی پایه تا پیشرفته

